

فاطمه ترکش شوند

هنرمندان بدون زیست حرفه‌ای‌شان در عرصه هنر و خلق اثر، بخش بزرگی از هویتشان را از دست می‌دهند و انگار نمی‌توان کرد که خو گرفتن به مناسبات برآمده از شهرت و محبوبیت در میان مردم و علاقه‌مندان به آثار

نمایشی، بر هر هنرمندی دشوار خواهد آمد. این مسأله‌ای است که در جامعه هنری ایران از مدیران فرهنگی گرفته تا خود هنرمندان، بر سر آن، تقاهم و توافق دوسویه وجود دارد و هر دو طرف درک می‌کنند که باید حریم این هویت هنری را پاس بدارند و احترام کنند. اما آیا برای خارج‌نشینان که جز قدرت و تقابل با نظام سیاسی ایران، سودایی ندارند هم، چنین است؟ تجربه هنرمندانی که

پیش و پس از وقایع سال گذشته از کشور مهاجرت کردند، اثبات می‌کند که پیوستن به دامن اپوزیسیون خارج‌نشین، مهر پایانی بر زندگی حرفه‌ای هنرمندان می‌زند و از آنان عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی بسازی به هر همتی می‌سازد که به علت دشواری‌های تأمین مالی در غربت، با هر باد سیاسی، این سو و آن سو می‌شوند. مسأله حتی این نیست که موضع‌گیری‌های سیاسی آنان

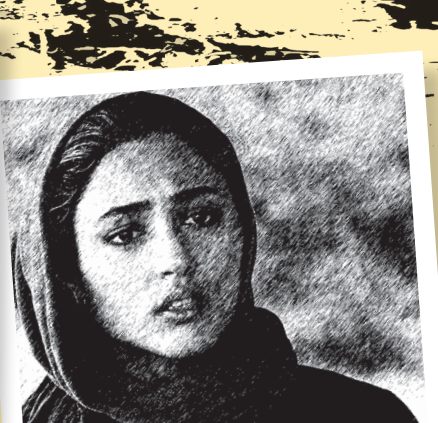
در شبکه‌های اجتماعی‌شان تا چه حد قادر است به وضعیت داخلی ایران آسیب برساند بلکه غم‌انگیزتر آن است که هیولای اپوزیسیون با دو سر سیاست‌زدگی و توهم قهرمان شدن برای ملت ایران، ظرفیت‌های هنری و فرهنگی کشور را می‌بلعد و از آن تقاله‌ای بی‌اثر به شبکه‌های اجتماعی تحویل می‌دهد. در این گزارش قصه چند نفر از این ضایعات هنری را مرور کردیم:

پس از گذشت یک سال از آشوب‌های زن، زندگی، آزادی، کارنامه هنرمندان مهاجر را بررسی کرده ایم

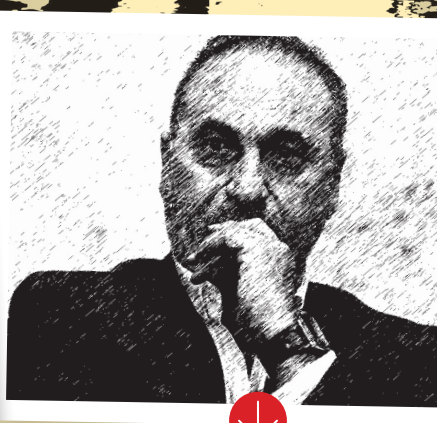
فیولایی که از هنرمند، عروسک اپوزیسیون می‌سازد



زهره امیرابراهیمی که با چند مجموعه تلویزیونی خصوصاً سریال «ترنگ» به شهرت رسیده بود، پس از جنجال‌های انتشار یک فیلم خصوصی در سال ۱۳۸۵ ایران را ترک کرد و به فرانسه رفت. امیرابراهیمی اما به اندازه گلشیفته خوش‌شانس نبود و علت و شکل خروجش از ایران برای مدت طولانی او را از صحنه حرفه‌ای بازیگری حذف کرد و تا یک دهه بعد تنها در دو اثر سینمایی، بسیار کوتاه و در حاشیه حضور پیدا کرد. اما بالاخره سال گذشته به خاطر حضور در فیلم موهن و ضدایرانی «عنکبوت مقدس» و به مدد و پشتیبانی جشنواره کن، نامش دوباره سرزنان‌ها افتاد در حالی که درست طبق الگوی سایر بازیگران و هنرمندان سینمایی خارج‌شده از ایران، این بازگشت جز با اهرم‌های سیاسی ستکین نمی‌توانست اتفاق بیفتد. در جریان وقایع سال گذشته، او به این رویه ادامه داد و در چند جشنواره خارجی همراه با شعارهای ضدایرانی روی فرش‌های قرمز حاضر شد. امیرابراهیمی در یکی از گفت‌وگوهایش در جریان جشنواره برلین سال گذشته ضمن فرض گرفتن ایجاد محدودیت برای برخی عوامل تولید این فیلم در ایران، از این موضوع ابراز خوشحالی کرد و گفت: «به نظرم این خبر خوبی است زیرا باعث می‌شود بحث درباره اینکه جامعه سینمایی ایران باید فعالانه حکومت را به چالش بکشد، ادامه پیدا کند زیرا همواره بحث درباره نقش سینماگران وجود داشته چون آنها فعال یا سیاستمدار نیستند، ولی این خصوصیات برای یک فیلمساز مهم است.»



گلشقیته فراهانی تا پیش از خروجش از ایران در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان بازیگری مستعد شناخته می‌شد. او برای بازی در فیلم درخت لابلای (۱۳۷۶) سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن جشنواره فیلم فجر را گرفت و بعدها برای بازی در اشک سرما (۱۳۸۲) نیز نامزد دریافت همین سیمرغ شد و البته اغلب بازی‌های او در آثار مختلف، مورد توجه منتقدان و تماشاگران قرار می‌گرفت. اما خبر خروج همیشگی او از ایران همزمان با خبر بازی‌اش در فیلم «مشتی دروغ» منتشر شد؛ فیلمی در زائر جنبایی که به ماجرای عملیات یک مأمور سیا در خاورمیانه می‌پرداخت. حالا پس از ۱۵ سال فراهانی بیش از پیش تبدیل به یک مهره سیاسی شده و آشکارا علیه کشور زادگاهش و حتی وضعیت و مردم خاورمیانه، مواضع تند و تلخ می‌گیرد. بازیگر زنی که برای اولین بار، دست‌کم طبق تحلیل رسانه‌های غربی، پایه‌گذار سیاسی کردن بدن زن و برهنگی در فضای اجتماعی و فرهنگی ایران شده بود در وقایع سال گذشته، خاموش نماند و همراه سال گذشته در گفت‌وگو با لوموند فرانسه اظهار کرد: «حجاب در جمهوری اسلامی حامل مجموعه‌ای از تبعیض‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی و اجتماعی علیه زنان است و در عین حال پوششی برای پنهان کردن سنت‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای تهنوع‌آور مردان با زن‌ها در همه عرصه‌ها. نمی‌توان و نباید حجاب را امری پیش‌افتاده تلقی کرد. حجاب اسلامی، ستون مرکزی حکومت مذهبی در ایران است و اگر حجاب فروپاشد با آن خیمه رژیم اسلامی فرو می‌پاشد.»



حمید فرخ‌نژاد با کارنامه حرفه‌ای پرپار، بازیگری شناخته شده در کشور به حساب می‌آید بازیگری که هرچند بارها درباره مواضع اخلاقی‌اش مورد انتقاد جامعه قرار گرفته بود اما به علت نقش‌های کم‌دی بسیار که ایفا کرده بود، در میان مردم محبوبیتی نسبی داشت. آخرین اظهارات او در ایران مبنی بر اینکه همه ملت ایران را فدای یک تار موی فرزندش می‌داند، با انتقادات و نازاحتی‌های زیادی همراه شد اما باز هم جامعه در مقام هنرمند پذیرای او بود. مواضع باری به هر جهت او تا پیش از مهاجرتش، فقدان دانش و اعتبار سیاسی را در فرخ‌نژاد نشان می‌داد اما خروج او در آورده سال گذشته در وضعیتی اتفاق افتاد که هنوز پروژه‌های سینمایی و سریالی او اگران نشده بودند و این مسأله، پرده از نگاه سودجویانه او در گرفتن پول پروژه‌ها و اهمیت ندادن به سرنوشت آن‌ها، برداشت. با تمام این‌ها، فرخ‌نژاد بلافاصله پس از خروج از ایران به مقصد امریکا، صفحه‌اش در اینستاگرام را تبدیل به پایگاهی برای فحاشی مستقیم نه تنها به حاکمیت بلکه به مردم و اعتقادات مذهبی آنان کرد به طوری که بسیاری از دوستدارانش به علت این مواضع ناگهانی و غیرمعتاد از او رو گردانند. او نیز مانند سایر هنرمندان مهاجر به زندگی حرفه‌ای و هنرمندانه خویش پایان داده و حالا در قامت یک اپوزیسیون کمرمق و فاقد اعتبار سیاسی به گذاشتن پست و استوری برای تحریک تنش‌ها در ایران ادامه می‌دهد.



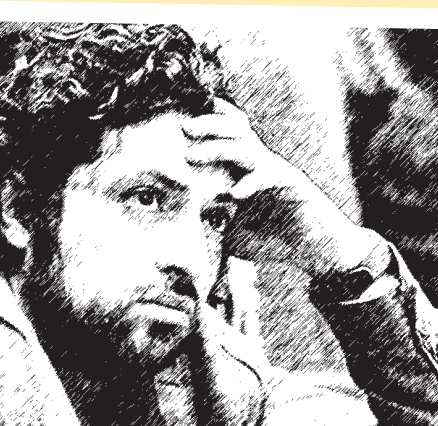
مهیار افشار از سال ۱۳۷۷ بازیگری را آغاز کرد و ویژگی‌های ظاهری او و توانش در حرفه بازیگری او را تا سطح هنرمندی شناخته‌شده در ایران بالا برد. او در سال ۱۳۸۹ برای ایفای نقش در فیلم سعادت‌آباد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن جشنواره فیلم فجر را از آن خود کرد و پس از آن برای بازی در دل چوبی (۱۳۹۰)، دارگوب (۱۳۹۶) و قسم (۱۳۹۷) هم نامزد دریافت سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر شد. هرچند که افشار در حین اقامت در ایران هم بارها به علل مختلف جنجالی شده بود و چند پرونده، نام او را همواره در صدر اخبار جنجال‌های سینمایی نگه می‌داشت اما در سال ۱۳۹۶ هم به علت حمایت از پروژه ضدامنیتی دختران خیابان انقلاب موضوع سیاسی‌اشکارتری گرفت. او نهایتاً در سال ۱۳۹۸ از ایران خارج شد اما برخلاف برخی دیگر تا مدتی تلاش می‌کرد با رعایت برخی ظواهر، امکان بازگشت به صحنه حرفه‌ای بازیگری در کشور را از دست ندهد. اما ابتدای اردیبهشت امسال، افشار با انتشار یک استوری در کنار چمدانش که طرحی از زن، زندگی، آزادی داشت، اعلام کرد که در مذاکره با کمپانی تولیدکننده برای فروش این چمدان‌ها به علاقه‌مندان تخفیف گذاشته است. این اقدام او به شدت مورد انتقاد بخش‌هایی از اپوزیسیون قرار گرفت و نوع دیگری از کاسینی با این جنبش‌ها خوانده شد. افشار همچنین در جریان تنش‌های اجتماعی سال گذشته در توییترش اعلام کرد که صفحه‌اش را به پروژه توانا یا مدیریت مریم‌معمار صادقی، حامی حمله نظامی آمریکا به کشورمان اهدا می‌کند که این اقدام او به شدت مورد انتقاد طیف‌های مختلف قرار گرفت.



احسان کریمی، چهره‌ای که مردم ایران بیش از هر چیز او را با اجراهای تلویزیونی‌اش می‌یاد می‌آوردند، از سال ۱۳۸۵ کارش را با نویسندگی و گویندگی در رادیو آغاز کرد. اما فعالیت‌هایش را به مرور در حوزه‌های دیگری مانند بازیگری در تئاتر و سینما، خوانندگی و اجرای برنامه‌های افتتاحیه و اختتامیه مراسم نظیر جشنواره فجر گسترش داد. او ظرف یک دهه با سرعت نسبتاً بالایی رشد کرد و در میان مخاطبان تلویزیون به‌عنوان یک مجری توانمند شناخته می‌شد که آخرین اجراهایش را در خندانده‌شوی برنامه خندانده دیدند. کریمی اما برای جاافتادن و نفوذ در میان مخاطبانش وقت بیشتری نگذاشت. انتشار ویدیوی حضور او به همراه برزور ارجمند در عروسی ساسی مانکن، تصویب روشنفکر مخالف خوان ایرانی را به شدت در نظر مردم شکست و طولی نکشید که وقایع پس از درگذشت مهسا امینی، برای او فرصتی فراهم آورد تا در اوایل مهرماه از ایران خارج شود و به شبکه منوتو بپیوندد. او این خروج شرمسارانه را به حساب حمایت از مردم و جنبش موهوم زن، زندگی، آزادی فاکتور کرد و نتیجه این انتخاب هم امروز چیزی جز فاصله گرفتن از فضای کار حرفه‌ای و اجرای برنامه‌های سیاست‌زده ضد ایرانی و موضع‌گیری آشکار در حمایت از ربیع پهلولی یا راه انداختن هشتک «والکالت می‌دم» نیست. مواضعی که به همه نشان داد حامیان مالی شبکه منوتو تا چه اندازه می‌توانند باطن سفارش‌زده و عروسکی برخی داعیه‌داران هنر مستقل (!) در درون مرزها را برپا کنند.



شبنم فرهادجو، بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون از اوایل دهه ۸۰ کارش را به صورت حرفه‌ای آغاز کرد و هرچند در نمایش‌های بسیاری به‌عنوان بازیگر ظاهر شد و در آثاری نظیر «مرد بارانی» ابوالحسن داوودی و «آخرین بار کی سحر رو دیدی» فرزاد مؤتمن نقش ایفا کرد اما بازی در سریال‌های تلویزیونی او را به شهرت بیشتری رساند و خصوصاً با اجرای کم‌دی در دو اثر «در حاشیه» و «شوخی کردم» با مهران مدیری، تصویر خود در ذهن تعداد بیشتری از مخاطبان ثبت کرد. او در شهریور سال گذشته در جریان وقایع پس از درگذشت مهسا امینی، کشف حجاب و سپس با گذاشتن پستی در اینستاگرام، از دنیای بازیگری خداحافظی کرد. فرهادجو با فاصله کمی پس از این اتفاق ایران را به مقصد کانادا ترک گفت. او پس از خروج از کشور همان طور که اعلام کرده بود، نه تنها حرفه بازیگری را کنار گذاشت بلکه صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام را نیز به پایگاهی برای فعالیت‌های ضدایرانی تبدیل و با حضور در تظاهرات ضدایرانی در تورنتو، ویدیوهایی از خود منتشر کرد. حالا علاقه‌مندان قبلی او در نظرات پای پست‌هایش برای او می‌نویسند: «جای تأسف داره برای یک نفر که تو کشور خودش هنرمند بود رفته و ایساده نعره میکشه»!



اشکان خلیسی، بازیگر تئاتر و سینما و تلویزیون، از اواخر دهه هفتاد کارش را در عرصه بازیگری آغاز کرد. او هرچند در آثار کارگردان‌های بنامی چون رضا میرکریمی، تینا پاکروان و برخی دیگر ظاهر شد اما هیچ‌وقت در سینمای ایران به‌عنوان یک ستاره ندرخشید. آشنایی مردم با این بازیگر بیشتر به سریال‌های تلویزیونی‌اش می‌گردد که از نیمه دهه ۸۰ در آنها به ایفای نقش پرداخته اما حتی در این آثار هم به‌عنوان چهره‌ای شاخص مطرح نبود. او بیشتر شهرتش را در دهه نود در عرصه تئاتر و در لایحه مخاطبان خاص به دست آورد و بیش از هر چیز با سریال خاتون (۱۴۰۰) در نمایش خانگی به طور نسبتاً گسترده‌تری دیده شد و حضورش در برنامه خندانده هم به این شهرت دامن زد. با تمام اینها خطیبی برای ماندن و حفظ این روند حرفه‌ای، تلاش بیشتری نکرد. او اوایل امسال کشور را به مقصد اسپانیا ترک کرد و هرچند که تاکنون در رسانه‌های رسمی خارج کشور حضور فعالی نداشته اما دیدار صمیمانه او با زهره امیرابراهیمی در جریان مراسم فرش قرمز آخرین دوره جشنواره ونیز، مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت. او به‌موضع‌گیری‌های کوتاه در شبکه‌های اجتماعی‌اش، و توییتر و اینستاگرام ادامه می‌دهد که البته در رسانه‌ها ناخواسته‌ای را هم از سوی گروه‌های اپوزیسیون برای او درست کرده است. او در یکی از آخرین توییتهایش برای تحریک درگیری‌های خیابانی در ایران ضمن گذاشتن عکسی از آشوبگران خواسته بود تا صورتشان را حین درگیری بپوشانند اما عکس، تصویری از یک دختر با چهره‌ای فلسطینی را نشان می‌داد که موجب حملات گسترده از سوی اپوزیسیون به خطیبی شد که او را حتی در شورش علیه ایران، بی‌عرضه خطاب می‌کردند.



فریبرز عرب‌نیا بازیگر شناخته‌شده و محبوب که ایرانی‌ها چهره او را با نقش‌های قهرمانان‌شان به یاد می‌آوردند و بیش از هر چیز بازی او در نقش مختار در این مجموعه تلویزیونی پرمخاطب در خاطره‌ها ثبت شده، بازیگر حرفه‌ای تئاتر، سینما و تلویزیون است که بازیگری را از سال ۱۳۶۹ آغاز کرد و با بسیاری از کارگردان‌های مطرح کشور در آثار مهم و ماندگاری به ایفای نقش پرداخت. او اما در ابتدای دهه نود ایران را به قصد اقامت در کانادا ترک کرد و حرفه بازیگری را نیز از آن زمان تاکنون کنار گذاشته است. او هرچند در طول این سال‌ها مواضع‌گیری‌های سیاسی متفاوت و بعضاً متعارضی داشته اما در جریان وقایع سال گذشته ضمن تأکید بر اختلاف دیدگاه با سایر هنرمندان اپوزیسیون مثل مهیار افشار و تاختر برآنان، علیه قوانین و عرف جامعه ایران موضع گرفت. او شهرویر امسال در گفت‌وگو با VOA فارسی ادعا کرد: «چون ذات هنر با استقلال فکری و نگاه بدون وابستگی به هیچ جریان سیاسی می‌تواند هویت پیدا کند، همیشه درگیری بین هنرمندان و جمهوری اسلامی بوده است» حال آنکه وضعیت هنرمندان خارج شده از کشور و محدود شدن همه آنها در یک چهارچوب سیاسی خاص بدون امکان ادامه زندگی حرفه‌ای نشان می‌دهد که اتفاقاً اظهارات دیگر عرب‌نیا در همین گفت‌وگو مبنی بر داشتن «نگاه مستقل» از «دایره‌های حکومتی» و حتی «خانه سینما» در عین کسب کارنامه‌ای درخشان و حرفه‌ای دقیق‌تر است و می‌کند تا کاسینی خود را تقویت کند. ویدیوی او اما تبدیل به یک شوخی بی‌مزه سیاسی در میان اپوزیسیون شد.



روناک یونسی بازیگری در سریال‌های تلویزیونی را از سال ۱۳۸۲ آغاز کرد و پس از آن در هفت فیلم سینمایی و هشت سریال تلویزیونی به ایفای نقش پرداخت. نقش‌های او در سریال‌های تلویزیونی او را بیش از همیشه به مردم معرفی کرد و به شهرت و اعتبار نسبی دست یافت. در نیمه دوم دهه نود اما به همراه خانواده ایران را به قصد کانادا ترک کرد و دیگر خبری از حضور حرفه‌ای او در عرصه بازیگری و هنر نبود. تا اینکه در سال ۱۳۹۹ صفحه او و همسرش در اینستاگرام اقدام به انتشار عکس‌های بدون حجاب از این بازیگر کردند که نشان می‌داد او دیگر قصد بازگشت به جهان بازیگری را در ایران ندارد. اما او فاقد هر گونه اعتبار سیاسی بود و حتی در حواشی هم به اندازه سایر رقیبانش در خارج از کشور، دلیلی برای تبدیل شدن به برندی سیاسی علیه ایران نداشت. او که در جریان وقایع سال گذشته نیز نتوانست چهره فعالی از خود بسازد، امسال تلاش کرد با تأخیر به این کاروان به انحراف‌رفته بپیوندد. او چندی پیش با انتشار ویدیویی تبلیغاتی از مخاطبان خود می‌خواست که با دونیت کردن (حمایت مالی) پول یک لیوان قهوه یعنی در حد دو دلار به عاملان جنبش زن، زندگی، آزادی در خارج از ایران کمک کنند. او با جملاتی نظیر «فعالیت در بیرون از ایران یعنی چی؟ فقط برویم پلاکارد دست بگیریم و عکس بگیریم؟ ما باید حمایت واقعی کنیم و الان، ما در این مجموعه می‌خواهیم یک کار عملی انجام دهیم»، راه‌های اپوزیسیون را غیرمؤثر توصیف می‌کرد تا کاسینی خود را تقویت کند. ویدیوی او اما تبدیل به یک شوخی بی‌مزه سیاسی در میان اپوزیسیون شد.



برزور ارجمند بازیگر سریال‌ها و فیلم‌های طنز که نمی‌توانست خود را مرموز نشانند خنده بر لب مردم بود، فرزند انوشیروان ارجمند و برادرزاده داریوش ارجمند است. بازیگر مستعدی که بیش از ۷۰ اثر تلویزیونی و سینمایی را در کارنامه دارد و در بسیاری از پروژه‌های ملی و میهنی نیز نقش ایفا کرده است. ارجمند تا پیش از این در رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی هم چهره‌ای جنجالی یا پرحاشیه محسوب نمی‌شد و اصرار به نمایش چهره‌ای سیاسی یا حتی روشنفکر از خود نداشت. اما شاید انتشار ویدیوی حضورش به همراه احسان کریمی در عروسی ساسی مانکن، برای او هم بیخ‌سنتکین و هزینه‌ساز تمام شد. اقدامی که هیچ جای دفاعی در میان افکار عمومی باقی نمی‌گذاشت و از میان همه خوانندگان ایرانی خارج کشور، درست کسی انتخاب شده بود که بیشترین انتقادهای فرهنگی و اجتماعی و اتفاقاً غیرسیاسی از سوی آحاد گروه‌های جامعه از هر گفتمان و تفکری را به دوش داشت. برزور ارجمند هم در آورده سال گذشته از ایران خارج شد و بعد این مهاجرت را به پای دفاع از مردم و جنبش زن، زندگی، آزادی فاکتور کرد. او با حضور در شبکه VOA در کنار مهیار افشار اظهار کرد: «بعد از اتفاقی که برای مهسا امینی افتاد شب که سرم را روی بالش گذاشتم به خودم گفتم اگر این جا هم فریاد نکشیم دیگر خیلی آدم بیخودی هستیم.» اما بعد اذعان می‌کند که به خاطر ترس از خطرات مبارزه در ایران کشور را ترک گفته و اکنون خوشحال است که بدون هیچ تهدیدی در خارج از کشور یک اپوزیسیون است.